



امام زادگان عشق

پرتوی از زندگانی شهدای گرانقدر شهید آباد بیضا

گردآوری و تألیف : محمد حسین صادقی

انتشارات هدهد

تابستان ۱۴۰۲

سرشناسه : صادقی، محمد حسین، ۱۳۳۹ -

Sadeghi, Mohammad Hossein

عنوان و نام پدیدآور: امامزادگان عشق: پرتوی از زندگانی شهدای گرانقدر شهیدآباد بیضا
گردآوری و تالیف محمدحسین صادقی.

مشخصات نشر: زرقان: انتشارات هدهد، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.: عکس؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-964-2508-94-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: پرتوی از زندگانی شهدای گرانقدر شهیدآباد بیضا.

موضوع: شهیدان -- ایران -- جیان -- سرگذشتنامه

Martyrs -- Iran -- Jiyan -- Biography

شهیدان -- ایران -- جیان -- وصیتنامه‌ها

Martyrs -- Iran -- Jiyan -- Wills

جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Biography

رده بندی کنگره: ۱۶۲۵DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۲۶۷۴



شناسنامه کتاب

نام کتاب: امام زادگان عشق، پرتوی از زندگانی شهدای گرانقدر شهید آباد بیضا

گردآوری و تالیف: محمد حسین صادقی

به کوشش: ضامن دهقان

ناشر: انتشارات هدهد، قم، ۰۹۱۷۶۱۱۲۲۵۳

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

چاپ: - ولیعصر قم

شابک: ISBN : 978 - 964 -2508- 94- 5

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ©

www.hodhodiran.ir

قیمت: ۱۴ صلوات

مقدمه

با سلام و صلوات بر حضرت محمد و آل محمد و آرزوی تعجیل در فرج آقا امام زمان حضرت مهدی موعود و آرزوی طول عمر با عزت و برکت و اقتدار برای نایب بر حقش، رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی، حضرت امام خامنه ای و درود بیکران بر روح پر فتوح رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و یارانش بویژه شهدای گلگون کفن و ایثارگران و ملت بزرگ و شریف ایران عزیز. و بعد،

شهرستان باستانی، زیبا و با صفای بیضای فارس، مهد علم و معرفت، با وسعت ۹۲۴ کیلومتر مربع و حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت (طبق آمار ملی ۱۳۹۵) از نظر تقسیمات کشوری قبلاً بخشی از شهرستان سپیدان بوده که در دهم مهرماه ۱۳۹۸ تبدیل به شهرستان شده و از شمال تا شرق با شهرستان مرودشت، از جنوب شرقی با شهرستان زرکان، از جنوب با شهرستان شیراز و از غرب با شهرستان سپیدان همسایه است.

روستای تاریخی شهید آباد با نام قبلی جیان یکی از روستاهای شهرستان بیضای فارس است و طبق آمار رسمی ۱۳۹۵ قریب به دو هزار نفر جمعیت داشته است. این روستای ولایتمدار ده شهید گرانقدر را تقدیم اسلام و انقلاب اسلامی کرده است.

روستای جیان بیضا از تیرماه ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲/۱/۱ یعنی سال دوم جنگ تحمیلی در عرض چند ماه ۶ شهید عزیز تقدیم اسلام و انقلاب کرد و این تعداد برای یک روستا در چندین ماه زیاد بود در حالی که بسیاری از روستاها و حتی شهرهای کوچک تا آن زمان اصلاً شهید نداده بودند، به همین خاطر از همان سال، ناخودآگاه، روستای جیان بیضا در بین مردم روستاهای منطقه به شهید آباد مشهور شد و این نام مقدس، بعدها در تقسیمات کشوری نیز رسمیت یافت.

این کتاب اگرچه شامل زندگینامه و وصیت نامه های این ده گل سر سبد آفرینش است اما با مرور آن تاریخچه کل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بخصوص در وصیت نامه ها که مهمترین شاخص آرمانها و آمل شهداست بطور خلاصه به نمایش گذاشته می شود و حقایق مهم و لطیفی را از آن دوران پر افتخار آشکار می سازد.

به عنوان مثال: هر کس در هر زمان و مکان فقط همین جمله شهید هاشم کاظمی را در این کتاب بخواند که «اگر هزار و یک جان داشتم هزار را برای امام خمینی میدادم و یکی را برای شهادت» می تواند به این حقیقت بزرگ پی ببرد که هر رهبری در هر جای جهان چنین فدائیان از خود گذشته ای داشته باشد در هر انقلاب و دفاعی قطعاً پیروز است، آن هم رهبری که نایب امام زمان است. به همین مقیاس تک تک جملات این وصیت نامه ها سرشار از رازها و حقیقتهایی است که مظلومیت و حقانیت و قداست و معنویت انقلاب و دفاع مقدس را فریاد می کنند و باید بر تارک تاریخ نوشته شوند و بر نسلهای جدید لازم و واجب است این صحیفه های مقدس را با دقت بخوانند و در تمام زندگی سرلوحه کار و زندگی شرافتمندانه خود قرار دهند تا در هر عرصه ای پیروز شوند.

کتاب «امام زادگان عشق» که هر شهر و دیار باید نمونه ای از آن را در مورد شهدای عزیز خود داشته باشد درباره این گلهای سر سبد آفرینش است که خود و خانواده هایشان ولینعمت مسئولین و نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند. پهلوانان و قهرمانان و جوانمردان و عارفان و عاشقان و میهن پرستان و ایثارگران بی ادعا و گمنامی که در یکی از سیاه ترین بُرهه های تاریخ تجاوز و غارتگری و زورگوئی، زمانی که میهن مظلوم ما غرق دود و خون و خاکستر بود، مردانه و آگاهانه و خالصانه و مشتاقانه، بدون هیچ چشمداشتی، پا به میدان گذاشتند و نه فقط با ارتش وحشی بعث عراق بلکه با بسیاری از ارتشهای غربی و عربی حامیان صدام درگیر شدند و زیباترین حماسه های عشق و ایمان و رهائی را سرودند و آسایش و آرامش و امنیت را به جامعه بر گرداندند. آنها با خون پاک خود سند حقانیت ایران و ایرانی را امضا کردند و به رخ جهانیان و تاریخ کشاندند و وطن را از چنگ متجاوزین و جهانخواران و غارتگران نجات دادند. این شهیدان گرامی تا ابد بر اوج شرف و مردانگی و غیرت تکیه زدند و نفرین خدا بر فرصت طلبان و خائنینی که به خون مطهر و استخوانهای شکسته این عزیزان آفرینش خیانت می کنند. بر ما مردم و بازماندگان شهدا نیز لازم است خاطرات آن شهیدان عزیز را در هر فرصت و هر محفل و مجلسی بازگو کنیم و بنویسیم و آنها را به دست فراموشی نسپاریم چون آنچه دشمن می خواهد فراموش شدن ایثارگران و روحیه ایثار است و ما باید در برابر دشمنان داخلی و خارجی با تمام وجود از خون عزیزانمان دفاع کنیم.

نوشتن این کتاب برای حقیر توفیق عظیمی بود و افتخار می کنم که قسمتی از عمر ناقابل خود را وقف شناختن و شناساندن شهیدان بزرگوار روستای تاریخی شهید آباد بیضا کردم که امیدوارم پاداش این کار شهادت باشد، و شرمنده ام که بیش از این نتوانستم ولی راه برای نویسندگان و هنرمندان و پژوهشگران باز شده و می توانند با مصاحبه با خانواده های معظم و معزز شهدا یا دوستان و همزمان آنها بر تعداد صفحات این کتاب بیفزایند و یا درباره هر یک از این شهیدان عزیزان یک کتاب جداگانه بنویسند و یا این مطالب را در قالبهای دیگر از جمله شعر و داستان و نمایش و فیلمنامه و غیره ادامه و ارائه نمایند.

علاوه بر این کتاب سائیتی نیز با نام «امام زادگان عشق» برای شهدای عزیز کشور در فضای مجازی ایجاد کردیم که تمام مطالب این کتاب در آن درج است و مطلب و فیلم و مصاحبه های صوتی و تصویری و عکس و پی دی اف بسیاری در آن موجود است که قابل ارائه در کتاب نیستند و خوانندگان و مشتاقان گرامی می توانند به آنجا مراجعه کنند و اگر خاطره و عکس و مطلب و صدائی از هر کدام شهدا دارند برای ما بفرستند تا با نام خودشان در سایت قرار دهیم.

در گردآوری این مجموعه بسیاری از دوستان و آشنایان و حتی عزیزان ناشناس شریک و سهم بودند که از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از آنها تقدیر و تشکر خاضعانه دارم. اهتمام ویژه دوست عزیزم، جانباز گرامی حاج صالح نظروند، همچنین پیگیریهای مستمر یادگار دفاع مقدس حاج ضامن دهقان و زحمتی که برای تک تک مصاحبه ها کشیدند را می ستایم و شاید اگر کمکهای ایشان نبود تهیه و انتشار این کتاب به این سرعت و کیفیت به ثمر نمی نشست، از آقای روح الله کشاورز مدیر محترم کانون فرهنگی حضرت بقیة الله الاعظم (عج) شهید آباد که عکسهای شهدا را رنگ آمیزی و بازآفرینی کردند صمیمانه سپاسگزاری می کنیم، البته از آنجا که کتاب، سیاه و سفید چاپ می شود رنگی بودن عکسها مشخص نیست ولی در سایت و پی دی اف رنگی هستند. به هر حال، امید است همگی اجر و پاداش خود را از خدای شهیدان دریافت کنند و خداوند را بینهایت بار شاکر و سپاسگزاریم که نام ما را ذیل نام مقدس و با عظمت شهدا قرار داد که مایه مباهات ما، در دنیا و آخرت است انشاءالله تعالی.

والسلام - محمد حسین صادقی - مدیر انتشارات ههد - تابستان ۱۴۰۲

فهرست

۳ ----- مقدمه

۱. زندگی نامه شهید بزرگوار محمد رضا کشاورز ۷
۲. وصیت نامه شهید گرانقدر محمد رضا کشاورز ۹
۳. زندگی نامه شهید بزرگوار مراد محمدی ۱۱
۴. وصیت نامه شهید گرانقدر مراد محمدی ۱۳
۵. زندگی نامه شهید بزرگوار سید مسلم سادات جیانی ۱۵
۶. وصیت نامه شهید گرانقدر سید مسلم سادات ۱۷
۷. زندگی نامه شهید بزرگوار علی بخش دهقان ۱۹
۸. زندگی نامه شهید بزرگوار مصیب دهقان ۲۱
۹. وصیت نامه شهید گرانقدر مصیب دهقان ۲۳
۱۰. زندگی نامه شهید بزرگوار هاشم کاظمی ۲۵
۱۱. وصیت نامه شهید گرانقدر هاشم کاظمی ۲۷
۱۲. زندگی نامه شهید بزرگوار شاهپور دهقان ۳۰
۱۳. فرازی از وصیت نامه شهید گرانقدر ستونیا رسوم شاهپور دهقان ۳۲
۱۴. زندگی نامه شهید بزرگوار هادی کشاورز ۳۴
۱۵. وصیت نامه شهید گرانقدر هادی کشاورز ۳۶
۱۶. زندگی نامه شهید بزرگوار داوود کشکولی ۳۸
۱۷. وصیت نامه شهید گرانقدر داوود کشکولی ۴۰
۱۸. زندگی نامه شهید بزرگوار نسیم الله کشاورز ۴۲
۱۹. وصیت نامه شهید گرانقدر نسیم الله کشاورز ۴۴
۲۰. زیارت نامه عمومی شهداء **Error! Bookmark not defined.**

زندگی نامه شهید بزرگوار محمد رضا کشاورز



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید محمد رضا کشاورز

فرزند علی

ولادت ۱۳۴۳/۹/۱۱ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۱/۴/۲۳ شلمچه

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید محمد رضا کشاورز، اولین

شهید روستای شهید آباد بیضا،

فرزند مرحومین علی کشاورز و گلی

دهقان در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای تلاشگر پا به عرصه وجود گذاشت. پدر مهربانش به کارگری و کشاورزی اشتغال داشت و مادر فداکارش علاوه بر خانه داری و تربیت فرزندان، به شوهرش نیز کمک می کرد. شهید کشاورز فرزند اول خانواده بود و سه خواهر و برادر دیگر نیز داشت و از همان کودکی در معیشت خانواده یاور پدر و مادر بود.

شهید محمد رضا کشاورز تحصیلات دوران ابتدائی و راهنمایی را در روستای شهید آباد به پایان رساند و دوره متوسطه را برای اخذ دیپلم در دبیرستان روستای جعفرآباد بیضا ادامه داد. در همین زمان کشور عزیزمان مورد تهاجم ارتش حزب بعث عراق که از حمایت دشمنان داخلی و خارجی برخوردار بود

قرار گرفت لذا شهید کشاورز برای دفاع از دین و ناموس و وطن به رزمندگان اسلام پیوست و به عنوان تک تیرانداز در سپاه فجر استان فارس به خدمت مشغول و به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد و حدود دو ماه پس از اولین اعزامش در منطقه عملیاتی رمضان (شلمچه) در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۲ به فیض عظمای شهادت نائل گردید و پیکر مطهرش پس از چندین روز به زادگاهش، روستای جیان که بعدها به شهید آباد بیضا تغییر نام داد منتقل و به خاک سپرده شد.

شهید محمد رضا کشاورز که فردی پرکار و مسئولیت پذیر و ایثارگر بود از کودکی با مسجد و مراسم مذهبی و عاشورائی ارتباط داشت و یکی از خادمین افتخاری مسجد امام حسن مجتبی (ع)، و همچنین از اعضای فعال پایگاه مقاومت خاتم الانبیا محسوب می شد. پس از شهادت این بسیجی دریادل و مؤمن و انقلابی، مدرسه و کوچه ای در روستا به نام ایشان نامگذاری شد .

لازم به ذکر است که شهید محمد رضا کشاورز با شهیدان سید مسلم سادات و مراد محمدی دوست و همدرس و همراز بودند و هر سه در عرض چندین ماه به شهادت رسیدند و دوستی شان را تحت خیمه سیدالشهداء علیه السلام ادامه دادند...

در ضمن، پدر و مادر گرانقدر این شهید بزرگوار از دنیا رفته اند و آرامگاهشان در آرامستان روستای شهید آباد قرار دارد.

روحشان شاد و یادشان گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر محمد رضا کشاورز

بسم الله الرحمن الرحيم

درود به پیشگاه ولی عصر (عج) و نایب بر حقش امام خمینی خداوندا چه بسیار رخ داده است که خودم ا بیش از آنچه که هستم نشان داده ام، خداوندا مرا ببخش که چه بسیار خود را بهترین می پنداشتم، خداوندا مرا ببخش که همواره بر دیگران حسادت می ورزیدم، خداوندا مرا بیامرز که نهال تقوا در سرزمین درونم نیرواندم.

خداوندا مرا بیامرز که عمری را در اسارت هوی و هوس بوده ام. خداوندا مرا ببخش که در پی یافتن شهرت بوده ام. خداوندا مرا ببخش و بیامرز و مرا از سیاهی دل درآور به روشنائی رهنمون گردان.

شما بدانید که من در جنگی رفته ام که اگر جسد مرا ندیدید دلگیر نباشید، ما به سوی خدا خواهیم رفت. خداوندا تو گواهی که هدف ما در این جنگ کلمه حق و سرنگونی ستمگران است.

این مردم جوانانی را از دست داده اند که جزء بهترین جوانان بوده اند و هدفشان حفظ و برقراری اسلام و قرآن است. پس شما مردم مدیون خون شهدائید.

وظیفه شما در مقابل این خونهای پاک بندگی خدا و عمل به اسلام و حفظ وجهه اسلامی انقلاب است. امام امت را که نایب حجت خداست اطاعت کنید و خود را لایق این رهبری سازید.

پدر و مادر جان می دانم که اگر من شهید شوم برای شما دردناک است ولی چه می شود کرد دین خدا در خطر است، در ضمن من هم که مال خدا هستم، پس مرا حلال کنید. پدر و مادر جان حلالم کنید تا چون پرنده ای آزاد در آسمانها پرواز کنم، مرا حلال کنید تا خدایم مرا ببخشد.

پدر جان و مادر عزیزم چقدر به من اصرار ازدواج می کردید و من در جواب شما می گفتم تا جبهه هست عروسی نمی کنم، مادر من در جبهه عروسی راه انداختم، تفنگم را کردم عروسم و سنگر را حمله کردم و سوت خمپاره بجای ساز و صدای کالیبر پنجاه بجای نقاره، سرم با خون خودم رنگین می کنم بجای حنا، تیرهای کلاشی که بر سر ما می ریزد بجای نقل و نبات.

اگر شهید شدم مرا غسل ندهید چون ننگ است برای کسی که معلمش را (حسین ع) غسل نداده باشند و خودش را غسل دهند.

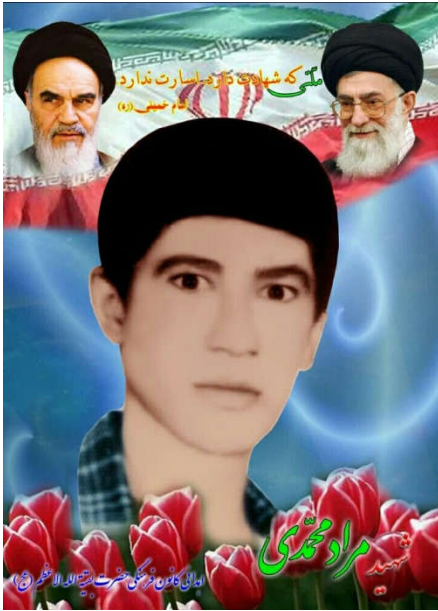
کفن بر تنم نپوشانید چون حسین (ع) را کفن نپوشانیدند، بر مزارم گریه نکرده و گل نریزید زیرا چه انصاف است کسی که رهبرش حسین (ع) است را در میان سر نیزه و خنجر بیرون آوردند و به خاک سپردند. بر مزارم گریه نکنید، اگر خواستید گریه کنید برای حسین (ع) گریه کنید.

مرا در جیان بیضا - محل عزیزم - به خاک بسپارید.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

محمد رضا کشاورز - ۱۳۶۱/۴/۱۷

زندگی نامه شهید بزرگوار مراد محمدی



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید مراد محمدی

فرزند علی

ولادت ۱۳۴۶/۱۲/۱ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۱/۷/۲۸ دشت عباس

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید مراد محمدی فرزند مرحوم

علی محمدی و بانو صبر گل دهقان

در سال ۱۳۴۴ شمسی در خانواده

ای متدین و متوسط در روستای

جیان بیضا (شهید آباد) چشم به دنیا گشود. مرحوم پدرش در آغاز مغازه دار

روستا بود و پس از مدتی شغل خود را به شیراز انتقال داد، مدتی نیز به

گاراژداری اشتغال داشت. شهید مراد محمدی فرزند آخر خانواده بود و چهار

برادر دیگر نیز داشت که در امورات زندگی به والدین خود کمک می کردند.

شهید محمدی دوران تحصیل ابتدائی و راهنمایی را در روستای خود با

موفقیت گذراند و برای ادامه تحصیل دوره متوسطه با اشتیاق وارد دبیرستان

روستای جعفرآباد بیضا شد .

ایشان در تمام دوران زندگی کوتاه و پر بار خود با شهید محمدرضا کشاورز و شهید سید مسلم سادات همدرس و همراه و همدل بودند و علاوه بر درس، در امور مذهبی و اجتماعی نیز فعالیت چشمگیر داشتند .

شهید مراد محمدی نیز مثل بسیاری از جوانان غیور و دانش آموزان وطن در حمایت از انقلاب اسلامی جان به کف گرفته و به دفاع از دین و ناموس و وطن و آرمانهای امام راحل و شهدا پرداخت. پس از شروع جنگ تحمیلی و حمله متجاوزین و غارتگران بین المللی به ایران عزیز به رزمندگان جان بر کف اسلام پیوست و پس از آموزش های نظامی همراه با سپاه فجر استان فارس در جبهه های نبرد حق علیه باطل به خدمت خالصانه مشغول شد و پس از چند ماه فداکاری و حماسه سازی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۲۸ در منطقه جنگی دشت عباس به فیض عظمای شهادت رسید و به یاران و دوستان شهیدش، به ویژه شهید محمد رضا کشاورز پیوست .

پیکر مطهر ایشان، چندین سال مفقود بود و پس از تفحص و مراحل قانونی، بعد از تشییع با شکوه در شیراز و روستاهای بیضا در آرامستان زادگاهش شهید آباد نامیده شد دفن گردید. در ضمن، کوچه ای نیز در روستای شهید آباد به نام ایشان نامگذاری شده است. والسلام

روحش شاد و یادش گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر مراد محمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احيا عند ربهم يرزقون
و مپنداريد آنهايى كه در راه خدا كشته مى شوند مرده اند بلكه آنها زنده
هستند و پيش خداوند روزى مى خورند. قرآن كريم
اول سلام به رهبر كبير انقلاب اسلامى ايران امام خمينى، بعد سلام به ملت
هميشه در صحنه و مبارز ايران. خداوندا من كه براى اين انقلاب هيچ نبوده و
نيستم و پيش تو شرمنده ام كه نتوانستم هيچ كارى براى اين انقلاب و اين جنگ
انجام دهم. خداوندا من وقتى به گذشته هايم فكر مى كنم مى بينم كه كارى كه
مود نظر تو باشد انجام نداده ام، حال كه شانزده سال از عمرم مى گذرد مى
خواهم كه بعد از ۱۶ سال راه تو را ادامه بدهم.

خداوندا تو مرا موفق كن. پس اى خدا تو آگاهى و مى دانى كه من در اين
مدت عمر آگاه نبوده ام پس تو مرا ببخش. خداوندا تو مرا از ظلمت و تاريكى
به نور رهنمون گردان، خدايا من اين عمل را شايسته دانستم كه بروم با كفار
ضد اسلام بجنگم. پس تو مرا از برق گلوله و تفنگهاى دشمن نلرزان، مرا
همانند كوه آهنين جلو نيروهاى دشمن نگه دار...

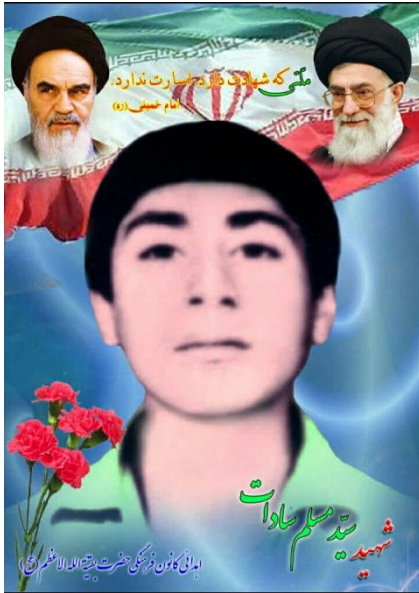
چند وصيت به پدر و مادرم

پدر و مادر گرامى ام شما افتخار كنيد كه فرزندان در جنگ عليه كسانى رفته
است كه مى خواهند اسلام عزيز را پايمال و نابود كنند.

شما از پدر و مادران شهدا عبرت بگیرید که چطور صبر و حوصله را به کار انداخته اند و مشغول کار خود هستند. پدر و مادر گرامی ام اگر من شهید شدم برای من سیاه پوش نشوید و به اقوام نصیحت کنید که لباس سیاه بر تن نکنند، لباس شادی بپوشند و برادران کوچکم را نماز و روزه یاد دهید تا نهال تقوا را در زمین بیروانند. من از معلم حسین درس شهادت و شهامت آموختم، شما هم به برادرانم درس ایثار و شهادت یاد دهید، پدر و مادر جان بگذارید تا هر روز برادران کوچکم پوتین مرا واکس بزنند و هر روز اسلحه ام را با روغن چرب نمایند و آموزش اسلحه یاد بگیرند و هر روز لباسم را بپوشند تا روزی آنها هم ادامه دهنده راهم باشند. مادر عزیزم مرا ببخش که نتوانستم هیچ کاری برایت انجام بدهم. مرا حلال کن من به جُند الله پیوستم، مادر تو مرا به حسین دادی از تو متشکرم حق تو بر گردنم زیاد است. امیدوارم که توانسته باشم اندکی از حق تو را جبران کرده باشم. پدر جان تو هم مرا حلال کن، فرزند تو هم مانند حسین (ع) در جنگ شهید شد. و من از ملت مسلمان جیان می خواهم که هر کار ناپسندی از من دیده اند مرا ببخشند و مرا حلال کنند. همانطوریکه برادر عزیزم محمد رضا کشاورز را همانند امام حسین به خاک سپردید مرا نیز بی غسل و کفن به خاک بسپارید و در وطن کنار قبر شهید محمد رضا کشاورز به خاک بسپارید.

والسلام - مراد محمدی

زندگی نامه شهید بزرگوار سید مسلم سادات جیانی



بسم رب الشهداء و الصدیقین

شهید سید مسلم سادات

فرزند سید نجیم

ولادت ۱۳۴۶/۱/۱۰ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۱/۹/۱ عین خوش

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید سید مسلم سادات فرزند

مرحومین سید نجیم و بانو فاطمه

کشاورز، در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای

اصیل و زحمتکش از نسل سادات

علوی در روستای جیان بیضا دیده به جهان گشود. شغل پدرش کارگری و

کشاورزی برای دیگران بود. سید مسلم فرزند آخر خانواده بود و سه برادر

بزرگتر خود نیز داشت که همگی کمک حال والدین بودند و زندگی آبرومندانه

ای در سایه زحمات پدر گرامی و خدمات مادر بزرگوارشان داشتند.

شهید سید مسلم سادات دوران تحصیل خود را در روستای خودشان و

روستای جعفر آباد بیضا تا پایان دبیرستان ادامه داد و همراه با تحصیل، به

معیشت خانواده نیز کمک می کرد.

ایشان که در دامن پاک خانواده ای متدین بالیده بود از کودکی علاقه ای خاص به نماز و عبادات و مناسبت‌های مذهبی داشت و از اصحاب دائمی مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام و پایگاه مقاومت محسوب می شد .

در دورانی که ایشان در دبیرستان تحصیل می کرد و برای آینده اش و خدمت به جامعه انقلابی برنامه ها داشت، مرزهای کشور عزیز ما توسط ارتش وحشی صدام ملعون با کمک ارتشهای جهان در هم شکسته شد و بسیاری از شهرها و آبادیهای ما با خاک یکسان شدند و هزاران خانواده زندگی خود را از دست دادند و آواره شدند، در چنین شرایطی جوانمردان غیرتمند وطن به دفاع از انقلاب و وطن برخاستند و با بذل جان خود ارتش دشمن را زمینگیر کرده و شکست دادند که شهید سید مسلم از آن بسیجیان جان و برکف و دریا دل بود .

در همین دوران دو دوست و همکلاسی ایشان به نامهای محمد رضا کشاورز و مراد محمدی به شهادت رسیده بودند و طوفانی در قلب و روح او به وجود آورده بود. نهایتاً این سید بزرگوار در منطقه جنگی عین خوش در نبرد با متجاوزین بعثی به شهادت رسید و به دوستان شهیدش پیوست .

شهید مظلوم سید مسلم سادات فردی بسیار پرکار و پاک و مهربان و صمیمی بود و روحیه ای انقلابی و سازش ناپذیر داشت و همیشه پیرو امام خمینی و منادی ولایت فقیه بود .

در ضمن، مدرسه و کوچه ای در روستای ولایتمدار شهید آباد به نام این شهید عزیز است . لازم به ذکر است که پدر و مادر گرانقدر این شهید بزرگوار از دنیا رفته و در جوار شهیدان در آرامستان روستای شهید آباد آسمانی شدند .

روحشان شاد و یادشان گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر سید مسلم سادات

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

همه از خدائیم و باید به سوی او برگردیم . قرآن کریم

اول سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بعد سلام به ملت مسلمان و مبارز

ایران

خداوندا : مرا که در این اغفال عمرم در پی گناه بوده ام ببخش، من شرمنده ام که نتوانستم در این دنیا سوغات ناقابلی را با خود به آن دنیا حمل کنم. اینک من به جبهه می روم مرا موفق به شهادت کن. خدایا اگر من سعادت شهادت را دارم پس زودتر آن را نصیبم گردان و اگر لیاقت آن را نداشته ام پس مرا ببخش. حتماً سعادت آن را نداشته ام، احساس شرمندگی می کنم. خدایا مرا ببخش که از کارهای ناروا بی پرهیز بودم. خداوندا مرا از تاریکی به روشنائی مبدل گردان. خداوندا مرا ببخش که نتوانسته ام برای این انقلاب اسلامی و ملت مسلمان ایران کاری انجام دهم. خداوندا چقدر دلم می خواست بی سرپرستان را یاری کنم اما شرمنده ام پیش بی سرپرستان که برای آنها هم نتوانستم انجام وظیفه کنم.

مادر جان حلال کن مرا تا همانند معلم شهیدم حسین (ع) در راه اسلام ایثارگری کنم. مادر گرامی ام در این زندگی زیاد زحمت مرا کشیدی و خیلی به گردنم حق داشتی ولی من شرمنده ام که نتوانستم حق تو را ادا نمایم. اگر من شهید شدم برایم اشک نریزد، لباس عزا بر تن نبوشان بلکه لباس شادی بر تن

کن و اگر اشک ریختی اشک تو اشک شوق باشد. مادر جان بدان که فرزندت اگر کشته شده در راه خدا کشته شده است، ولی ننگ است برای کسی که شاگرد حسین و پیرو حسین باشد در لای رختخواب بمیرد، و تو افتخار کن که شهادت نصیب شده است.

و سلام بر شما برادران گرامی، شما ادامه دهنده راه من باشید تا روح من شاد باشد.

برادران گرامی ام اگر مطلبی از شهادت دارید به مادرم یاد بدهید و وصیت من به شما این است که لباس تیره بر تن نپوشید. از شما متشکرم برادران گرامی ام مرا ببخشید تا در آن دنیا روحم شاد باشد.

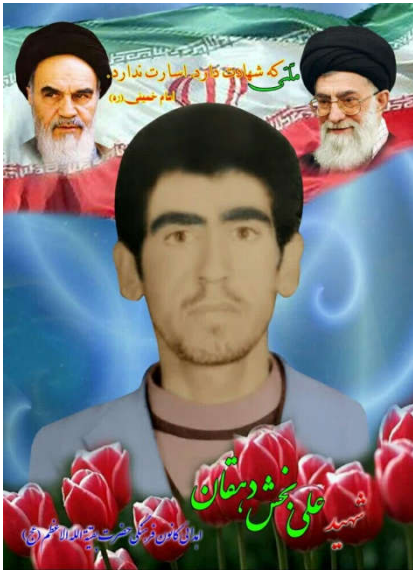
و در آخر از ملت جیان می خواهم که هر گونه کار ناروایی از من دیده اند مرا حلال نمایند و ببخشند مرا. دیگر مزاحمتان نمی شوم.

مادر جان : چقدر به تو می گفتم سری به حرم مطهر امام رضا (ع) برو ولی تو می گفتی تا مسلم عروسی نکند نمی روم. آفرین، عروسی من در جبهه بود که آن را به اتمام رساندم، شما هم انشاءالله به زیارت امام رضا بروید. این وصیت من.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

سید مسلم سادات - ۱۳۶۱/۶/۲۷

زندگی نامه شهید بزرگوار علی بخش دهقان



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید علی بخش دهقان

فرزند خدابخش

ولادت ۱۳۴۲/۹/۸ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۱/۱۲/۲۷ کازرون

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید علی بخش دهقان فرزند

مرحومین خدابخش و حاجیه نسا

محمدی در سال ۱۳۴۲ در خانواده ای

متدین و زحمتکش در روستای جیان بیضا پا به عرصه وجود گذاشت. او تنها پسر خانواده بود و دو خواهر ناتنی نیز داشت.

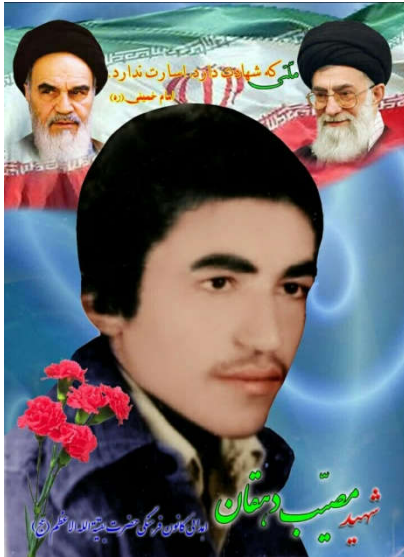
شهید علی بخش دهقان دوران تحصیل ابتدائی را در روستا گذراند ولی به خاطر مشکلات مالی و فوت پدر بزرگوارش مجبور به ترک تحصیل شد و شغل پدرش که کارگری و دامداری سنتی بود را ادامه داد.

او پس از سالها کار و زحمت زندگی کوچکی فراهم کرد و ازدواج نمود ولی دارای فرزند نشد. در همین دوران بنخاطر حمله ارتش بعث عراق به مرزهای کشور عزیزمان، شهید کار و زندگی را رها کرد و به رزمندگان اسلام پیوست و به پادگان آموزشی کازرون اعزام شد. در آنجا بنخاطر آشنائی با یکی از دوستانش

به نام شهید مصیب دهقان که مسئولیت مهمی در سپاه استان فارس داشت به قسمت ساختمان سازی پادگان منتقل شد و مشغول کار بنائی گردید اما فرشته شهادت او را انتخاب کرده بود و دست تقدیر الهی خلعت شهادت را برای قامت او دوخته بود چون انفجار مهیبی که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۲۸ در زاغه مهمات پادگان آموزشی شهید بهشتی کازرون رخ داد تعدادی از نیروها را به طرز فجیعی به شهادت رساند که دو نفر از دلاوران روستای شهید آباد نیز در بین آنها بودند، یکی شهید علی بخش دهقان و دیگری شهید مصیب دهقان. مادر گرامی شهید بزرگوار علی بخش دهقان نیز در سال ۱۳۹۸ از دنیا رفت و در جوار شهیدان خدائی، در آرامستان شهید آباد به خاک سپرده شد.

روحشان شاد و یادشان گرامی

زندگی نامه شهید بزرگوار مصیب دهقان



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید مصیب دهقان

فرزند الله کرم

ولادت ۱۳۳۷/۷/۱ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۱/۱۲/۲۷ کازرون

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید مصیب دهقان فرزند

مرحومین الله کرم و بانو قمر درویشی

در سال ۱۳۳۷ در خانواده ای اصیل و

مذهبی در روستای جیان بیضا (شهید آباد) دیده به جهان گشود. پدرش به کشاورزی و باغداری اشتغال داشت و از این طریق روزگار می گذراند. مصیب فرزند اول خانواده بود، دو خواهر تنی، چهار خواهر ناتنی و چهار برادر ناتنی نیز داشت.

پدرش اگرچه سواد حوزوی نداشت ولی قاری و مترجم و مفسر قرآن کریم بود و مثل یک روحانی سخنرانی می کرد و تسلطی کامل به امور مذهبی و معارف اهلبیت (ع) داشت، شهید مصیب نیز که در مکتب چنین مادر و پدری رشد کرده بود از فضائل والدین بهره داشت و بسیار با سواد و فهمیده و نکته سنج بود. ایشان دروس مقدماتی را در مدرسه روستا و دروس متوسطه را با

موفقیت در روستای جعفر آباد بیضا به اتمام رساند و همیشه در تمام برنامه های آموزشی و انقلابی و خدمت رسانی از افراد ممتاز جامعه محسوب می شد. با شروع انقلاب اسلامی در مجامع شیراز به انقلابیون پیوست و برای پیروزی انقلاب و نشر آرمانهای امام راحل و شهدای انقلاب در روستاهای بیضا زحمت بسیاری کشید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای حفظ و حراست از انقلاب به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و با توجه به نفوذ گروهکهای ملحد و محارب و خرابکاری آنها در جامعه، زندگی خود را وقف دفاع از انقلاب و وطن و مبارزه با مفسدین کرد.

هنوز چیزی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که صدام ملعون، رهبر حزب بعث عراق که از حمایت جهانخواران برخوردار بود به کشور عزیز ما حمله کرد و چنان به پیروزی خود مطمئن و مغرور بود که در نظر داشت در عرض یک هفته تهران را فتح و انقلاب اسلامی را سرنگون کند ولی از همان آغاز جوانمردان وطن به مقابله با نیروهای متجاوز دشمن پرداختند و با بذل جان و مال، لشکرهای مجهز دشمنان را شکست دادند و رؤیای شیرین فتح یک هفته ای صدام را به یک کابوس تلخ هشت ساله برای او و نوکران داخلی و اربابان خارجی اش تبدیل کردند و نهایتاً اجازه ندادند که حتی یک وجب از خاک مقدس ایران اسلامی در تصرف دشمنان خونخوار و وحشی باقی بماند، منطقه ولایتمدار و شهید پرور بیضا افتخار دارد که فرزندان دریادل و از خود گذشته و با غیرتش از همان آغاز به نبرد با دشمنان دین و میهن رفتند. شهید بزرگوار مصیب دهقان همزمان با مبارزه با دشمنان، به آموزش نیروهای

بسیجی در پادگان آموزشی کازرون می پرداخت و مدتی مسئولیت تسلیحات سپاه استان را به عهده داشت.

نهایتاً این شهید بزرگوار در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۲۸ در انفجار زاغه مهمات در پادگان آموزشی شهید بهشتی کازرون به همراه همشهری خود شهید علی بخش دهقان و تعدادی از نیروهای سپاه و بسیج به شهادت رسیدند. پیکرهای سوخته و پرپر این دو شهید بزرگوار نیز در کازرون و شیراز و بیضا به طرز با شکوهی تشییع و در گلزار مطهر شهدای زادگاهشان، شهید آباد بیضا به خاک سپرده شد. لازم به ذکر است که شهید مصیب دهقان، ازدواج کرده بود و صاحب یک پسر و یک دختر شد. والدین گرامی شهید و دو خواهر ایشان نیز از دنیا رفته اند و در آرامستان روستای شهید آباد بیضا در جوار شهدای گلگون کفن آرمیده اند. روحشان شاد و یادشان گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر مصیب دهقان

سم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و لا الضالين

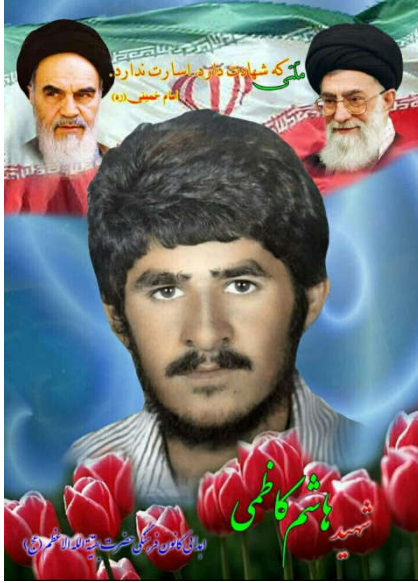
خداوند را شکرگزارم که مرا هدایت کرد به سوی نور، به سوی خودت و بسوی اسلام. خداوند را شکرگزارم که دانائی داد که خودم و او را بشناسم و راهم را انتخاب کنم. خداوند را شکرگزارم که بینائی ام داد که جهان را با دیده ای باز بینم و را انتخاب کنم. خداوند را شکرگزارم که بدنم را سالم ساخت تا بتوانم خوب و بهتر کار برای رضای او انجام دهم. خداوند را شکر گزارم که وقت نوشتن این وصیت نامه را به من عطا کرده است. از تو می

خواهم که امام عزیزمان را، امام خمینی را در پناه خودت حفظ و تا ظهور حضرت مهدی او را نگهداری. بار الها از تو می خواهم که رزمندگان اسلام و پویندگان راه حسین و یاری دهندگان و مبلغین و ناشرین ... اسلام را در پناه خودت محفوظ بداری. بار الها از تو می خواهم که پاسداران بر حق اسلام را یاری بدهی. ای خدای مهربان از تو می خواهم که شهادت در راهت را نصیبم کنی و آنطور که تو می خواهی بشوم. بار خدایا فرزندانم را فرزندان سالم و یاری دهنده امام زمان قرار ده. بار خدایا از سر تقصیرات و گناهانم و اشتباهات این بنده حقیر ذلیل فقیر و مسکین در گذری و مرا همنشین اصحابت قرار دهی. برادران، خواهران، پدران و مادران و فرزندانم که بعد از من این وصیت نامه را می خوانی از خداوند طلب مغفرت برایم کنید، چون گناهم زیاد است. پدرم درست است که از من ناراحتی ولی از تو می خواهم که مرا ببخشی و را زیاد کنی، انشاءالله که می بخشی.

ای مردم خوب در صحنه باشید، حرف امام را گوش دهید و شکرگزار باشید که خداوند همچنین رهبری را به ما کرامت کرده، ای مردم خوب چشمتان را باز کنید و جنایات منافقین را ببینید و نفرت خودتان را نسبت به آنها بیشتر کنید، امام را تنها نگذارید، پیرو امام باشید تا خداوند شما را در کارهایتان یارس دهد، ای مردم متوجه باشید و خوب مواظب آن کسانی که می گویند امام خوب است ولی اطرافیانش بد است.... آنها ولی اطراف و همکاران امام امی کوبند و بعد هم خود امام، اینها هم گروهی دیگر از منافقین است که در وارد شده اند....

.....

زندگی نامه شهید بزرگوار هاشم کاظمی



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید هاشم کاظمی

فرزند حاج بهرام

ولادت ۱۳۴۰/۱۰/۲۳ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۲/۱/۱ قصر شیرین

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید هاشم کاظمی فرزند

مرحومین حاج بهرام و بانو زهرا

صفوی در سال ۱۳۴۰ شمسی در

یک خانواده مذهبی و نسبتاً متمول و

پر جمعیت در روستای جلیان بیضای فارس که بعدها به شهید آباد تغییر نام یافت دیده به جهان هستی گشود. او فرزند ششم خانواده بود و ۶ برادر و ۲ خواهر نیز داشت که یکی از آنها همسر شهید بزرگوار هادی کشاورز بود. پدرش که یکی از افراد سرشناس و نیکوکار منطقه بود به کشاورزی و دامداری و باغداری روی زمینهای خودش اشتغال داشت و فرزندانش نیز در این امور کمک حال پدر و مادر بودند.

شهید دوره تحصیلات ابتدائی را در زادگاهش گذراند و دوره متوسطه را در شیراز سپری کرد و اگرچه در شیراز خانه داشتند ولی همیشه در روستا بودند و هیچگاه زادگاه خود و کارهای خیر را ترک نکردند.

تقریباً در اکثر کارهای خیر روستا و منطقه مرحوم حاج بهرام کاظمی نقش اساسی داشت و فرزندانش بخصوص شهید هاشم کاظمی بهره ای کامل از فضائل و کمالات پدر برده بود، ایشان فردی متدین، علاقمند به روحانیت و پیشقدم در امور عام المنفعه بود.

شهید هاشم کاظمی همزمان با اتمام تحصیلات که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بود در حد خود در مجالس و محافل انقلابی روستا و شهر شرکت می کرد و برای پیروزی آن تلاش و مجاهدت می نمود.

پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی به سربازی رفت و پس از پایان خدمت نظام وظیفه به روستا بازگشت و خدماتش را ادامه داد.

شهید در اوان جوانی ریاست شورای اسلامی روستا را به عهده داشت و کارهای ماندگاری کرد که خاطراتش هنوز در خاطر مردم شیرین است از جمله آب کشی به روستا با همیاری مردم از چشمه ای که حدوداً در هفت کیلومتری روستا قرار داشت.

پس از شروع جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی و صدور فرمان بسیج عمومی توسط امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، شهید هاشم کاظمی نیز علیرغم مخالفت خانواده اش به صف رزمندگان اسلام پیوست و نهایتاً در اولین روز سال ۱۳۶۲ در منطقه جنگی قصر شیرین خلعت زیبای شهادت را پوشید و ماندگارترین نقش زندگی اش را صحیفه کائنات و قلب عالم هستی رقم زد. از

اخلاق پسندیده او می توان به وفای عهد، حفظ و حراست از بیت المال، جلوگیری از اسراف و ریخت و پاش، ساده زیستی، مردم داری، ارادت به امام راحل و روحانیت در خط امام و انجام تکالیف شرعی نام برد.

شهیدی که اگر مانده بود بدون شک یکی از مدیران موفق منطقه و استان می شد اما قطعاً خداوند می خواست او در سلک کارگزاران هستی قرار گیرد و از عاشقان حقیقت و زائران شهدا شفاعت کند.

لازم به ذکر است که شهید هاشم کاظمی ازدواج نکرده بود و ادامه تحصیل و ازدواج را به بعد از جنگ موکول کرده بود، در ضمن، مادر گرامی شهید کاظمی، قبل از شهادت فرزندش از دنیا رفت، پدر بزرگوارش نیز در سال ۱۴۰۲ از دنیا رفت و هر دو در آرامستان شهید آباد در جوار شهدا، به ساکنان مقام قرب الهی پیوستند.

روحشان شاد و یادشان گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر هاشم کاظمی

بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله القاسم الجبارين
مسئله اصلی ما جنگ است و جوانان باید بروند این جنگ را تمام کنند به نفع اسلام. امام خمینی

اگر هزار و یک جان دوازدهم هزار را برای امام خمینی میدادم و یکی را برای شهادت. این جانب با آگاهی تمام و با قلبی پاک روانه جنگ با کافران بعثی و صهیونیستی می شوم و با این قدمم جواب هل من ناصر ینصرنی فرزند امام حسین این نمونه و الگوی رهبری و پدر و پیرجماران میدهم تا مشتی محکم

باشد به دهان منافقین خفاش صفت که یارای دیدن خورشید عالم تاب را ندارند. من میروم به طرف کربلای حسینی تا شاید که انشاءالله خداوند لطف و کرم خودش را نصیب ما کرد و لیاقت این را به من حقیر داد تا در راه معبود و ایزد متعال شهید شوم و یا انشاءالله با زیارت کربلای حسینی یا پیروزی کامل دستم به آنجا برسد و زیارتی بکنیم و برگردیم و به (کربلایی هاشم) برگردم که هر دو راه از خداست که قسمت و اراده اوچه باشد با عشقی سرشار پذیرا هستم . انشاءالله .

برادران گروه مقاومت و شورای اسلامی بیضاء اگر لیاقت شهادت را پیدا کردم من را در نزدیکی قبر شهید محمد رضا کشاورز دفن کنید. و یک پرچم جمهوری اسلامی هم روی آن قبر نصب کنید.

برادران و خواهران اصلاً گریه نکنید، اگر کوهها هم به گریه بیفتند شما گریه نکنید و اگر خواستید گریه کنید برای من نباشد و برای امام حسین و شهید مظلوم رجائی و بهشتی گریه کنید.

برادران و خواهران اگر خواستید به دیدار خانواده من بروید با روئی گشاده و خندان باشید و لباس سیاه هم نپوشید که روح من خوشحال شود و به پدر و خانواده^۱ من بجای تسلیت تبریک بگوئید و اگر کسی امام خمینی را دوست می دلدرد مرا دوست بدارد و اگر کسی امام خمینی را رهبر می داند زیر تابوت من و در تشییع جنازه من شرکت کند و آلا نه.

خداحافظ، برادران و خواهران حزب الهی، از اینکه لیاقت خدمت به شما را نداشتم مرا ببخشید، از اینکه نتوانستم زحمتی بکشم برای شما مرا ببخشید. از اینکه بدتر از آنچه بودم که خودم را می نمایاندم مرا ببخشید..

برادران گروه مقاومت و شورا، برادران و خواهران حزب الهی قدر امام امت و سخنان گهربار او را بدانید و یک لحظه غفلت نکنید و هرچه میتوانید برای سلامتی امام و امید امام دعا بکنید.

و در کشمکش با ظالمان و چاپلوسان و ریاست طلبهای فرصت طلب استوار و پا بر جا باشید تا خدا از شما خوشنود و راضی باشد. برادران حزب الهی نوجوان محل را تشویق به علم به اسلام و نماز و فنون نظامی کنید و با کتاب خواندن آنها را تشویق کنید. خداحافظ برادران حزب الهی، انشاءالله که یک بار دیگر در دنیای ابدی همدیگر را ملاقات کنیم...

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته - و من الله التوفیق

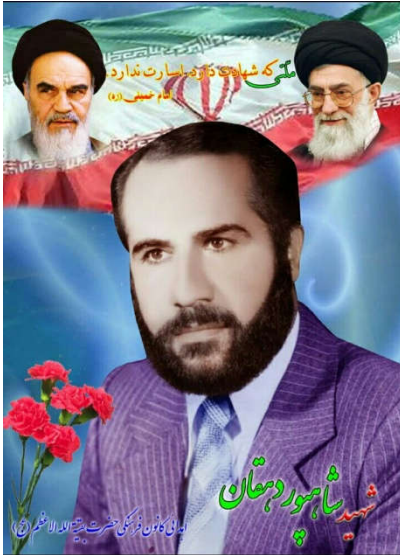
خدایا خدایا تو را به جان زهرا خمینی را نگهدار، الهی آمین

یاران همه سوی مرگ رفتند بشتاب که تا ز ره نمایم

ای خون حماسه در رگ دین برخیز نماز خون بخوانیم

پایان وصیت نامه شهید بسیج هاشم کاظمی - ۱۳۶۲/۲/۴

زندگی نامه شهید بزرگوار شاهپور دهقان



بسم رب الشهداء والصدیقین

افسر شهید شاهپور دهقان

فرزند خلیل

ولادت ۱۳۲۳/۵/۲۰ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۲/۷/۲۹ مریوان

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید شاهپور دهقان فرزند

مرحومین خلیل و بانو نوری دهقان

در خانواده ای اصیل و متدین و

زحمتکش در تاریخ بیستم مرداد ۱۳۲۳ در روستای جیان بیضا دیده به جهان گشود. پدرش از طریق شغل باغداری و کارگری امرار معاش می کرد و علاوه بر شاهپور که فرزند سوم و آخر خانواده بود دو پسر دیگر نیز داشت که هر دو از دنیا رفته اند.

شهید شاهپور دهقان که از کودکی علاقه به کار دولتی و نظامیگری داشت پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در روستا مجبور به کار و ادامه تحصیل در شیراز شد و توانست با مدرک سیکل وارد ارتش شود و به عنوان درجه دار به خدمت تیپ تکاور ۵۵ هوارد شیراز درآید.

ایشان در همین دوران ازدواج کرد که حاصل این پیوند مقدس دو فرزند پسر و دختر است.

شهید شاهپور دهقان اگرچه در خدمت ارتش شاهنشاهی بود ولی بخاطر روحیه مذهبی و جوانمردی هم‌رنگ سرسپردگان رژیم طاغوت نشد و فقط با عشق به وطن و هموطنان خدمت میکرد. به همین خاطر در دوران با شکوه انقلاب اسلامی به صف انقلابیون پیوست و با تمام وجود در خدمت آرمانهای شهدا و امام خمینی و روحانیت مبارز قرار گرفت.

چیزی از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و سرنگونی رژیم چند هزار ساله شاهنشاهی و قطع شدن دست جهانخواران نگذاشته بود که مزدوران دشمن در داخل کشور شروع به تخریب و ترور و فعالیتهای تجزیه طلبانه کردند و بخصوص در کردستان دست به جنایتهای هولناکی زدند، همزمان با دشمنان داخلی، صدام ملعون با حمایت بسیاری از ارتشهای غربی و عربی به مرزهای کشورمان تجاوز کرد و چنان مغرور بود که می خواست در یک هفته ایران را بگیرد ولی رزمندگان و نیروهای مسلح ایران با ایثار جان خود حماسه ها آفریدند و در هشت سال خونین و پر افتخار میهن را از تجزیه و از چنگ دشمنان نجات دادند و تکاوران دریادل هوابرد شیراز که شهید شاهپور دهقان در آن عضویت داشت نقشی بسیار مهم و فراموش نشدنی در سربلندی میهن عزیزمان داشتند.

این شهید بزرگوار پس از خدمت و حماسه آفرینی در مناطق مختلف جنگی، نهایتاً در تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ در اولین روز عملیات بزرگ والفجر ۴ و پس از فتح ارتفاعات مهم غرب کشور، در جبهه میوان به درجه رفیع شهادت نائل آمد و صفحه خونین دیگری بر افتخارات و اعتبارات کشور و فارس و مخصوصاً دیار شهیدپرور بیضا افزود.

بیکر مطهر این افسر قهرمان گلگون کفن با حضور مردم روستاهای بیضا و شهرهای اطراف، تشییع و در زادگاه باستانی اش جیان بیضا که بعدها به شهید آباد تغییر نام داد، آسمانی شد.
روحش شاد و یادش گرامی

فرازی از وصیت نامه شهید گرانقدر ستوانیار سوم شاهپور دهقان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بزرگ

سلام به حضور خانواده عزیزم، مخصوصاً مادر گرامی ام سلام.
من شاهپور دهقان از این تاریخ که برای نجات میهن عزیزم و دفاع از اسلام بزرگ و دفاع از خون شهدای کربلای حسین و شهیدان میهن گرامی ام.. بتوانم جبران خون گذشتگان را بنمایم و دستور فرماندهی و ولایت فقیه را اجرا نموده باشم.

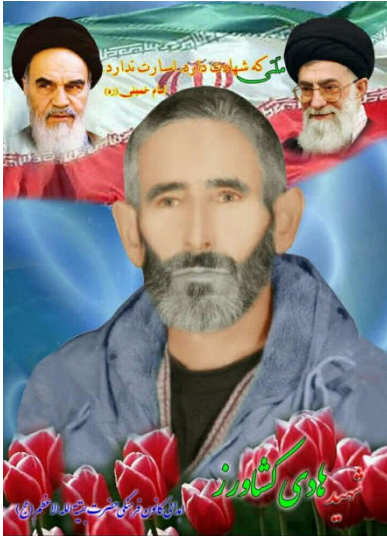
برای مأموریتی می روم تا بتوانم به یاری خدای بزرگ اجرای دستورات را نموده باشم و از نظر شرعی وظیفه ای که نسبت به اسلام دارم ادا کرده باشم. و از این روزبا قلب پاک سلام گرم خودم را حضور مادر گرامی ام و عیال و بچه ام لیلا و علی و برادران من عبدالله و فرخ و خواهر جانم تقدیم می کنم و از این جا با شماها خداحافظی می کنم و بر راهی می روم که راه شفاعت و دستورات خداوند و پیامبران گفته اند و باید بروم.

مادر گرامی ام از طرف من نور چشمان من را یک یک لیلای عزیزم و علی عزیزم را خیلی دیده بوسی نمائید. چنانچه یک روز قبل از قتل امام حسین (ع)

روز تاسوعا خواب دیدم علی من فوت کرده زیاد گریه ها کردم بجای من آنها را بوسه بزیند و همیشه تا بزرگ بشوند از آنها سرپرستی نمائید و نگذارید نگران باشند، بگوئید پدرت روزی که از خاک شیراز حرکت کرد می دانست که دیگر روی شماها را نمی بیند. پس خداحافظ، مرا حلال نمائید.

والسلام ۱۳۶۲/۷/۲۴ شاهپور دهقان

زندگی نامه شهید بزرگوار هادی کشاورز



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید هادی کشاورز

فرزند خداویس

ولادت ۱۳۱۱/۳/۴ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۳/۳/۵ جزیره مجنون

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید هادی کشاورز فرزند

مرحومین خداویس و زیور در سال

۱۳۱۱ در روستای جیان بیضا (شهید

آباد) پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش کشاورزی می کرد و علاوه بر هادی دو

دختر نیز داشت.

شهید هادی کشاورز بخاطر نبودن مدرسه در مناطق روستائی امکان درس

خواندن پیدا نکرد ولی بعدها تا حدودی سواد خواندن و نوشتن پیدا کرد.

ایشان اگرچه ظاهراً بیسواد بود ولی از ادب و معرفت و کمالاتی برخوردار بود

که باید نام آنها را علم لدنی گذاشت.

شهید با تمام وجود ظلم های دوران پهلوی اول و دوم ، مخصوصاً مشکلات

جنگ جهانی دوم را لمس کرده بود و حکایتها از آن روزگاران قحطی و ظلم و

فساد داشت.

ایشان از همان کودکی و نوجوانی شغل پدر را برگزید و روی زمین های خودشان کار می کرد و نیاز مادی نداشت. در جوانی ازدواج کرد و از برکت اهلیت (ع) در طول زمان صاحب چهار پسر و پنج دختر شد...

همزمان با شروع نهضت امام خمینی با دل و جان به عضویت پایگاه مقاومت درآمد، او به امام و شهدا عشق می ورزید و همیشه دعاهايش آرزوی عاقبت بخیری و شهادت در راه خدا می کرد.

پس از حمله ارتش متجاوز رژیم بعث عراق به میهن عزیزمان برای جنگ و مبارزه با دشمنان سر از پا نمی شناخت ولی بخاطر مسن بودن و عیالوار بودن پذیرفته نمی شد تا بالاخره با اصرار و خواهش و تمنا و سفارش پذیرفته شد و به بسیجیان دریادل کشور پیوست و پس از آموزش مقدماتی، همراه با لشکر ۱۹ فجر استان فارس به جبهه های جنوب اعزام شد.

خاطرات بسیاری از شهید هادی کشاورز که به حبیب ابن مظاهر زمان و پیر جوانبخت جبهه های نبرد حق علیه باطل مشهور است، در دوران کوتاه حضورش در جبهه، در ذهن تمام دوستان و همزمان است که امید است روزی جمع آوری و به کتاب تبدیل شود.

شهید هادی کشاورز در طول دوران زندگی خود در زمینه های مختلف و مسائل گوناگون از جمله برپایی مراسم و مناسبتهای مذهبی، گسترش و آبادانی مسجد روستا و لوله کشی آب شرب روستا و همچنین کمک به نیازمندان کوشش فراوان می نمود تا جایی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با چند نفر از اهالی روستا با هم پیمان می بندند که هر یک از اهالی روستا مورد ظلم ستم قرار گیرد را مورد حمایت خود قرار دهند و از مظلوم دفاع نمایند.

نهایتاً این عارف شهید که عمری پر خیر و برکت در کسب حلال و خدمت به دین و وطن و هموعان گذرانده بود در جزیره مجنون به عاقبت به خیری کامل و عالی رسید و در اثر اصابت خمپاره به سنگرشان و خراب شدن سنگر بر روی ایشان و مجروح شدن از ناحیه سر به فیض عظمای شهادت نائل گردید و پیکر مطهرش در زادگاهش شهید آباد بیضا به خاک سپرده شد.

لازم به ذکر است که مادر گرامی ایشان در شیراز دفن شده ولی پدر بزرگوارشان در آرامستان روستای شهید آباد دفن است.

روحش شاد و یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

وصیت نامه شهید گرانقدر هادی کشاورز

بسم الله الرحمن الرحيم
 إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است. سوره توبه آیه ۱۱۱

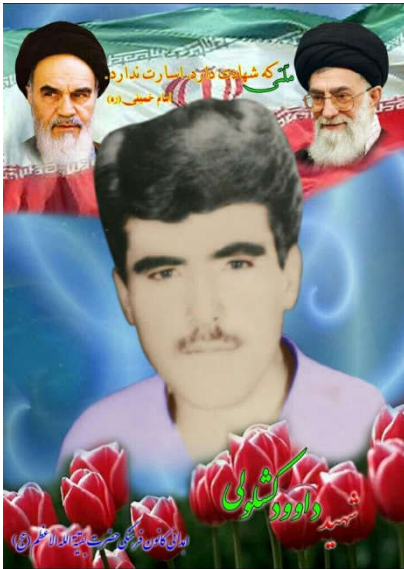
خداوند بزرگ جان و مال مؤمنین را می خرد و در برابر آن بهشت جاویدان عطا می فرماید، چرا انسان ساخته و آگاه و پیرو علی علیه السلام از این راه راست و پر ثمر استفاده نکند.

با درود و سلام به پیشگاه آقا امیرالمؤمنین(ع) و فرزندان معصوم و مظلومی که آخرین آنها حضرت مهدی ارواحنا له الفدا و نائب بر حقش امام خمینی و شهدای راه حق از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی.

پروردگارا ما هرچه داریم از تو داریم و ما بی تو قادر به حرکت کردن نیستیم و ما هرچه پیروزی به دست آورده ایم از آن توست و نکند که ما را بواسطه نافرمانی و غافل بودن به خودمان واگذار کنی.

بنده حقیر کوچکتر از آن هستم که پیامی برای ملت شهید پرور و همیشه در صحنه داشته باشم لکن به عنوان تذکر عرض می نمایم : در اول دست از توسلات بردارند و به ریسمان الهی چنگ زدن را فراموش نکنند و هیچگاه غرور نوزندند که با هلاکت روبرو می شوند و امام را تنها و آزرده خاطر نمایند و جبهه ها را همیشه مقصد همه زندگی مان قرار دهند چونکه دنیا فانی و ما جز یک کفن چیزی با خود نخواهیم برد چرا مال و جان خود را با خداوند معامله نکنیم. و باید تا نابودی کامل کفر جهانی و حاکمیت اسلام اصیل در سراسر دنیا از پا ننشینیم و در پایان از خانواده محترم و فرزندان می خواهیم که در راه انقلاب و یاری رزمندگان جان بر کف بیش از پیش کوشا باشند و اگر خدای بزرگ این جان ناقابل را پذیرفت آنها را به صبر و استقامت دعوت می نمایم و کاری کنند که خداوند و شهدا راضی باشند و خودتان هم به اجر عظیمی دست می یابید. خداوندا تو را قسم می دهم که طول عمر و سلامت کامل به رهبر کبیر انقلاب عطا بفرمائی و رزمندگان را به پیروزی کامل و سلامت به وطن بازگردانی. به امید روزی که پرچم پر افتخار لا اله الا الله در سراسر جهان به اهتزاز درآید و از خانواده ام در پایان می خواهم که اگر آنها را ترک کردم بخاطر دین اسلام و حاکمیت آن بود و امید دارم که من را خواهید بخشید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار - والسلام علی من اتبع الهدی - هادی کشاورز

زندگی نامه شهید بزرگوار داوود کشکولی



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید داوود کشکولی

فرزند بهمن

ولادت ۱۳۴۸/۳/۱۴ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۶/۱۲/۲۷ مریوان

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

فرزند مرحوم بهمن (حاج قربانعلی

کشکولی احمدی) و حاجیه گوهر

بشیری در سال ۱۳۴۹ در خانواده ای

متدین و زحمتکش در روستای جیان بیضا (شهید آباد) دیده به جهان گشود. پدرش از عشایر بود و سالها قبل در روستای جیان ساکن شده بودند و به دامداری سنتی و کارگری اشتغال داشت. شهید کشکولی فرزند سوم خانواده بود و یک برادر و یک خواهر بزرگتر از خود نیز داشت که همگی در تأمین معاش خانواده به والدین کمک می کردند.

شهید کشکولی دوران تحصیل ابتدائی را با توجه به هوش سرشار خدادادی با موفقیت در روستا گذراند و هنوز دانش آموز مدرسه ابتدائی بود که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی به پیروزی کامل رسید و نظام چند هزار ساله شاهنشاهی را به زباله دان تاریخ ریخت. شهید از همین دوران ابتدائی با نهضت امام آشنا شد و با تمام وجود به آن دل بست. ایشان از کودکی با پایگاه

مقاومت خاتم الانبیا همکاری کامل داشت و در مراسم مذهبی و امورات شهیدا با شوق و علاقه ای خاص شرکت میکرد.

شهید داوود کشکولی فردی بسیار با ادب و متدین و آرام و کم حرف و با صفا بود و یک الگوی اخلاقی برای همسالان خود محسوب می شد. ورود ایشان به دوره تحصیلات راهنمایی مصادف شد با شروع جنگ تحمیلی و کشور و نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران تحت تهاجم جهانخواران و غارتگران بین المللی قرار گرفت. گروهکهای تجزیه طلب و دست نشانده دشمن در مناطق مختلف کشور کشتار و تخریب و آشوب برپا کردند و حزب بعث عراق نیز به رهبری صدام خبیث مرزهای به جنوب و غرب کشور عزیزمان حمله کرد و به خیال باطل خودش می خواست در عرض یک هفته کشور ایران را بگیرد اما حضور نیروهای مسلح کشور و مردم و بسیجیان جان برکف باعث شد که لشکر مجهز او شکست بخورد و زمینگیر شود و هشت سال زیر ضربات کوبنده حماسه سازان ایرانی قرار گیرد. شهید داوود کشکولی اگرچه کم سن و سال بود ولی بارها برای حضور در جبهه های نبرد داوطلب شد ولی پذیرفته نشد تا بالاخره در پایان دوره راهنمایی موفق شد برای دفاع از دین و ناموس و وطن به جمع رزمندگان دریادل ایران زمین پیوندد. لذا ادامه تحصیل را به آینده موکول کرد و همراه با بسیج مرودشت و سپاه استان فارس، پس از کسب آموزشهای لازم نظامی، به جبهه های نبرد حق باطل اعزام شد.

ایشان در اولین اعزام، به خدمت و پاسداری از وطن در ارتفاعات منطقه غرب کشور پرداخت و در منطقه جنگی مریوان مشغول ایثار و خدمت خالصانه و عاشقانه شد و نهایتاً در آخرین روزهای سال ۱۳۶۶ در منطقه خرمال عراق در

عملیات والفجر ۱۰ پس از انهدام مواضع دشمن، به شهادت که آرزوی دیرینه اش بود نائل گردید و روح بلند و نا آرام او در خیمه مولایش حضرت ابوالفضل العباس (ع) آرام گرفت.

پیکر مطهر این بسیجی دلاور پس از تشییع در شیراز و منطقه بیضا در گلزار شهید روستای شهید آباد بیضای فارس آسمانی شد. لازم به ذکر است که کوچه ای در روستا به نام این شهید بزرگوار است، در ضمن پدر گرامی ایشان نیز که از مردان نیک و با صفای محل بود سالها پیش از دنیا رفت و در جوار مزار مطهر شهدای شهید آباد مدفون گردید.

روحشان شاد و یادشان گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر داوود کشکولی

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند،

و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. سوره آل عمران آیه ۱۶۹

با سلام به پیشگاه ولی عصر (عج) و نایب بر حقش امام خمینی و با سلامی گرم خدمت تمامی جان نثارانی که با نثار جان خود اسلام را زنده نگه داشته را نابود می‌کنند. خداوندا تو خود نظاره گر باش که هدف من از آمدن به جبهه تنها در راه رضای تو هست. خداوندا از اینکه به من سعادت آمدن به جبهه را عطا کردی شهادت در راه خودت را نیز نصیبم بگردان. خدایا هرکسی

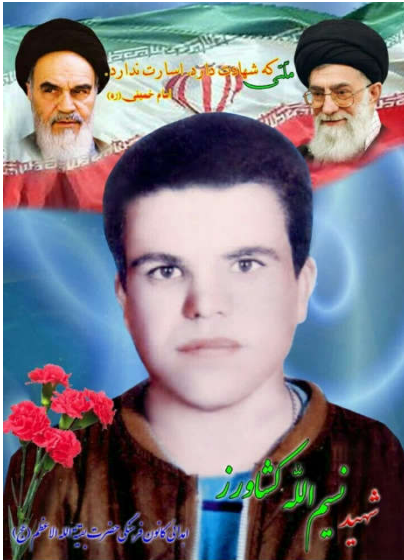
که در راه رضای تو قدم بر می دارد امیدش را نا امید نگردان. پروردگارا راه پیکارگران راه خود را به من بنمایان تا با جان و مال خود برای رضای تو با دشمنان نبرد کنم. خداوندا مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است پس مرا در رختخواب نمیران که کشته شدن در معرکه نبرد بسیار لذتبخش است.

امت حزب الله و شهید پرور قدر این امام عزیز را بدانید و سخنانش را سرلوحه کارهای خود بدانید که به حق او نایب امام زمان است و از جنگ پشتیبانی کنید که عزت و شرف شما در گرو همین جنگ است، تنها با پیروزی در این جنگ است که می توانید به اهداف مقدسه اسلام برسید.

پدر و مادرم از اینکه برای بزرگ کردن من بسیار زحمت کشیدید و متأسفانه من نتوانسته ام جبران زحمتهای شما را بکنم و از شما حلالیت می طلبم و مرا ببخشید که به شما خوبی نکردم. پدر و مادرم اگر من شهید شدم ناراحت نشوید چون من امانتی بودم دست شما و شما خوب از این امانت نگهداری کردید و من از شما تقاضا دارم که برای من گریه و زاری نکنید تا دشمنان اسلام از گریه شما خوشحال نشوند. در پایان از کلیه قوم و خویشان و همسایگان و آشنایان که از دست این حقیر بدی دیده اند حلالیت می طلبم.

در حجله عشق بی کفن باید رفت - دلسوخته، پاره پاره تن باید رفت
 ما کشته عشقیم و به دلدار رسیدیم - جان داده ولی دولت جاوید خریدیم
 چون در سر ما عشق حسین ابن علی بود - آخر به وصال رخ محبوب رسیدیم
 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار
 والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته - داوود کشکولی

زندگی نامه شهید بزرگوار نسیم الله کشاورز



بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید نسیم الله کشاورز

فرزند حاج عین الله

ولادت ۱۳۴۹/۶/۱۷ شهید آباد

شهادت ۱۳۶۶/۱۲/۳۰ مریوان

آرامگاه : گلزار شهدای شهید آباد

شهید نسیم الله کشاورز فرزند

مرحوم حاج عین الله و بانو حاجیه

خانم صدری جان کشاورز در سال

۱۳۴۹ در خانواده ای شریف و مذهبی در روستای جیان بیضای فارس پا به

عرصه وجود گذاشت.

شغل پدرش کشاورزی و دامداری سنتی بود و با کمک فرزنداناش روی

زمینهای خودش کار میکرد. شهید نسیم الله فرزند چهارم خانواده بود و چهار

برادر و سه خواهر نیز داشت...

شهید دوران تحصیل ابتدائی را با شور و شوق در روستا به پایان رساند در

حالیکه چند سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی

گذشته بود و صدام پلید، رهبر حزب بعث عراق با کمک جهانخواران و

ارتشهای عربی و غربی به کشور عزیز ما حمله کرده بود و صدها شهر و

روستای جنوب و غرب میهن ما را به خاک و خون کشیده بود.

شهید در ابتدای دوره راهنمایی در حالیکه عضو پایگاه مقاومت مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام بود برای جبهه نام نویسی کرد ولی هنوز خیلی کوچک بود و اجازه حضور نیافت.

شهید نسیم الله اگرچه کم سن و سال بود ولی روحی بزرگ داشت و همیشه به خاطر اتفاقاتی که برای مردم و دانش آموزان مرزنشین افتاده بود غصه می خورد و دلش می خواست انتقام دوستانش را از دشمنان خونخوار و وحشی بگیرد.

شهید نسیم الله کشاورز سرانجام توانست به سختی و اصرار زیاد نظر پدر و مادرش و مسئولین مقاومت بسیج را جلب کند و مثل رود به سیلاب خروشان رزمندگان دریادل اسلام بیوندد.

این بسیجی با غیرت و بی ادعا پس از گذراندن دوره آموزش نظامی به همراه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان فارس برای دفاع از دین و ناموس و وطن، ابتدا به مقر گتوند و جبهه های جنوب و سپس به جبهه مریوان اعزام شد و پس از چند ماه در عملیات سخت و پیچیده والفجر ۱۰ در ارتفاعات صعب العبور غرب کشور شرکت کرد و پس از فتح اهداف نظامی و سرکوبی دشمنان متجاوز، در ۱۷ سالگی در منطقه خرّمال در آخرین روز سال ۱۳۶۶ به فیض عظمای شهادت نائل آمد و نام شریفش در دفتر فدائیان حضرت سیدالشهدا و یاوران امام زمان (عج) قرار گرفت.

لازم به ذکر است که کوچه ای در روستای شهید آباد به نام این شهید بزرگوار مزین شده هرچند یقیناً کوچه هائی در بهشت برین و مقام قرب الهی به نام شهدا (که امام زادگان عشقند) و این شهید عزیز مزین است، در ضمن پدر

گرامی ایشان نیز اخیراً از دنیا رفته و در جوار مزار مطهر شهدای شهید آباد به خاک سپرده شده است.

روحشان شاد و یادشان گرامی

وصیت نامه شهید گرانقدر نسیم الله کشاورز

بسم الله الرحمن الرحيم

ما مثل حسین وارد جنگ شدیم و باید مثل حسین به شهادت برسیم.
با سلام به مولا و آقایم حجت ابن الحسن العسکری و نائب بر حقش رهبر
کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و ملت شهید پرور.

آخر این دنیا مرگ است بگذارید این مرگ در میدان جهاد در راه خدا باشد.
ای کسانی که در این انقلاب شهید داده اید از این خونهای پاک پاسداری کنید و
مگذارید کفر و نفاق حاصل خون شهدا را بر باد دهد. بدانید که منافقین به اسم
اسلام شما را می کوبند

بادران و خواهران قرآن را سرمایه اصلی خود قرار دهید و بدانید که اگر جز
این کلمه

.... بود خلاف دستورات ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین و امام امت بر
دارید شکست خواهید خورد

حال که فرزندان شما خون خود را پای درخت تناور اسلام می ریزند شما
نیز با خدای خود عهد کنید که حافظ خون شهدا باشید.

و تو ای مولایم حسین (ع) و تو ای سرور من اگر در کربلا کسی نبود جواب هل من ناصر ینصرنی تو را لبیک بگوید اینک ما رزمندگان اسلام جان بر کف بعد از ۱۴۰۰ سال آمدیم تا به شما لبیک بگوئیم و فرزندان یزید را به درک بفرستیم تا دیگر جرأت حمله به لشکریان اسلام را نداشته باشند.

پیامی به خانواده ام: پدر و مادر عزیزم من در برابر شما شرمسارم چرا که من نتوانستم جبران زحمات شما را بکنم، امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی اجر زحمات شما را بدهد. و شما برادرانم بعد از من نکند اسلحه از دست افتاده مرا به زمین بگذارید. و شما مردم همیشه در صحنه، امیدوارم در برابر دشمن ساکت نباشید چون اگر ساکت ماندید دشمن به هیچ یک از شما رحم نمی کند. مادر مهربانم امیدوارم که در شهادت من صابر باشید و زینب (س) را سرمشق خود قرار دهید.

و همچنین از برادران و خواهرانم تقاضا دارم برای من هیچ گونه لباس به عنوان عزا نپوشید.

در پایان شعار همیشگی یادتان نرود: خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار

والسلام - علیکم و رحمه الله و برکاته

حقیر: نسیم الله کشاورز

آمار و اطلاعات و اسامی مقدس شهدای گرانقدر روستای شهید آباد بیضا، به نقل از سایت اینترنتی «نوید شاهد»

۱. محمد رضا کشاورزی فرزند علی ۱۳۴۳/۹/۱۱ --- ۱۳۶۱/۴/۲۳ شلمچه
۲. شهید مراد محمدی فرزند علی - ۱۳۴۶/۱۲/۱ - ۱۳۶۱/۷/۲۸ دشت عباس
۳. شهید سیدمسلم سادات جیانی فرزند سیدنجیم ۱۳۴۶/۱/۱ - ۱۳۶۱/۹/۱ عین خوش
۴. شهید علی بخش دهقانی فرزند خدابخش ۱۳۴۲/۹/۸ - ۱۳۶۱/۱۲/۲۷ کازرون
۵. شهید مصیب دهقان فرزند الله کرم ۱۳۳۷/۷/۱ - ۱۳۶۱/۱۲/۲۷ کازرون
۶. شهید هاشم کاظمی، فرزند بهرام ۱۳۴۰/۱۰/۲۳ - ۱۳۶۲/۱/۱ قصر شیرین
۷. شهید شاهپور دهقان فرزند خلیل ۱۳۲۳/۵/۲۰ - ۱۳۶۲/۷/۲۹ بانه
۸. شهید هادی کشاورز فرزند خداویس ۱۳۱۱/۳/۴ - ۱۳۶۳/۳/۵ مجنون
۹. شهید داود احمدی کشکولی فرزند بهمن ۱۳۴۸/۳/۱۴ - ۱۳۶۶/۱۲/۲۷ مریوان
۱۰. شهید نسیم الله کشاورزی فرزند عین الله ۱۳۴۹/۹/۱۷ - ۱۳۶۶/۱۲/۳۰ خرما



نمایی از داخل ساختمان گلزار مطهر شهدای شهید آباد بیضا



سمت راست بقعه متبرک امام زاده سید رزاق؛ سمت چپ: ساختمان گلزار شهدای شهید آباد

نکات پایانی و درخواست نظرات اصلاحی و تکمیلی

در پایان، ضمن حمد و سپاس مجدد بیکران به درگاه الهی بخاطر توفیق انجام این کار بسیار مهم و نوشتن این کتاب شریف، دو نکته به استحضار تمام عزیزان می رسد:

اول اینکه هر کس هر خاطره ای از شهدای گرامی دارد باید آن را نقل کند تا مکتوب شود و به دست آیندگان برسد چون خاطرات شهدا امانتهای الهی در سینه دوستان و بازماندگان هستند و باید حتماً گفته شوند لذا ما برای ثبت و ضبط این خاطرات آماده و منتظر تماس شما هستیم.

دوم اینکه پی دی اف این کتاب در تیرماه ۱۴۰۲ به منظور نظرخواهی و دریافت اصلاحیه ها و پیشنهادات عمومی در سایت اینترنتی انتشارات هدهد و گروهها و کانالهای فضای مجازی در دسترس همشهریان و خانواده های معظم شهدا قرار گرفت و از علاقمندان و همشهریان گرامی و خانواده های معظم شاهد و دوستان شهدا تقاضا شد پی دی اف کتاب را دانلود کنند و به صفحه شهید خود مراجعه و متن را بخوانند و اگر کمبودی داشت یا نیاز به تغییر عکس بود یا هر نظر دیگری داشتند اعلام فرمایند تا تصحیحات انجام شود و بحمدالله انجام شد.

اکنون که کتاب «امام زادگان عشق» به یاری خداوند متعال و عنایات اهل بیت علیهم السلام و شهدای گرانقدر منتشر شده نیز مجدداً از تمام عزیزان استدعا داریم هرگونه نظر اصلاحی و تکمیلی، افزودن خاطره و یا نیاز به تعویض عکس را به شماره ۰۹۱۷۶۱۱۲۲۵۳ اطلاع دهند تا در نسخه دیجیتال کتاب و همچنین در «سایت امام زادگان عشق» اعمال شود..... خانواده های معظم شهدا و اهالی محترم شهرها و روستاهای دیگر که مایل به تهیه چنین کتابی هستند نیز می توانند با شماره فوق تماس حاصل فرمایند تا به یاری خداوند به صورت رایگان و صلواتی در خدمتشان باشیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

زیارت نامه عمومی شهداء

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الأِيمَانِ وَ التَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَبِعَمِّ عُقْبَى الذَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ؛ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ دَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ؛ وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ ذَوْنَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ؛ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ نَبِيِّهِ وَعَنِ الإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ عَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَافِقًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَ أَنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقْرَبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْنَكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَ بِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَ بِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَ بِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الأَعْمَالِ وَ مَرْضَى الأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامٌ اللَّهُ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ وَ سَخَطُهُ اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِبِيَارَتِهِمْ وَ تَبَتَّنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فِرْطٌ وَ نَحْنُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ

به نام خداوند بخشنده مهربان / سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر محمد بن عبدالله سلام بر خاندان پاکش سلام بر شما ای شهیدان با ایمان سلام بر شما ای خاندان ایمان و توحید سلام بر شما ای یاران دین خدا و یاران رسول خدا - که بر او و آلش سلام باد - سلام بر شما بدان شکیبایی که کردید پس چه خوب است خانه سرانجام شما گواهی دهم که براستی خداوند شما را برای دین خود انتخاب فرمود و برگزیدتان برای رسول خود و گواهی دهم که شما در راه خدا جهاد کردید آن طور که باید و دفاع کردید از دین خدا و از پیغمبر خدا و جانبازی کردید در رکاب رسول خدا و گواهی دهم که شما بر همان راه رسول خدا کشته شدید پس خدای تان پاداش دهد از جانب پیامبرش و از دین اسلام و مسلمانان بهترین پاداش و بشناساند به ما صورت های شما را در جایگاه رضوان خود و موضع اکرامش همراه با پیامبران و راستگویان و شهیدان و صالحان و چه نیکو رفیقانی هستند آن ها گواهی دهم که شما نیکو حزب خدا و هر که با شما بجنگد مسلماً با خدا جنگ کرده و براستی شما از مقربان و رستگارانید که در پیشگاه پروردگارشان زنده اند و روزی می خورند پس لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آن که شما را کُشت آمده ام به نزد شما برای زیارت ای اهل توحید و به حق شما عارفم و بوسیله زیارت شما بسوی خدا تقرب جویم و بدان چه گذشته از اعمال شریف و کارهای پسندیده دانایم پس بر شما باد سلام خدا و رحمت و برکاتش و لعنت خدا و خشم غضبش بر آن کس که شما را کُشت خدایا سود ده مرا به زیارت شان و بر آن نیتی که آن ها داشتند مرا هم ثابت بدار و بمیرانم بر آن چه ایشان را بر آن میراندی و گرد آور میان من و ایشان در جایگاه خانه رحمتت گواهی دهم که شما بر ما سبقت گرفتید..... **نثار ارواح مطهر انبیا و اولیا و شهدا و صلحا بویژه شهدا و اموات روستای تاریخی و ولایتمدار و شهید پرور شهید آباد بیضا صلوات و فاتحه**